روایت روز

«عیسی» در وضعیت آباژور

به‌بهانه پخش‌نشدن شادی پس از گل عیسی آل‌کثیر و دیگر نمونه‌های عجیب

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

کارکنان و مدیرانش، مجموعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند را مرغ عزا و عروسی می‌دانند و منتقدان و مخالفان، آن را سازمانی عریض‌وطویل با بودجه هنگفت می‌دانند که با وجود گستره مخاطب زیاد و امکان اثرگذاری ناکارآمد است. اما اگر نه در مقام منتقد و نه مدافع و به‌عنوان یک ناظر بیرونی به صداوسیمای ایران نگاه کنیم، این سازمان از بیرون بهترین، راحت‌ترین، کم خطرترین و البته در بعضی جاها محق‌ترین نهاد کشور برای هجمه و انتقاد است. رسانه‌ای که با پول همه مردم اداره می‌شود و به‌طبع همه مردم برای خود و نظرهایشان دنبال سهمی در آن هستند و البته که در صورت هر قصوری خود را برای انتقاد از آن محق می‌دانند. تقریبا همه طیف‌های گوناگون سیاسی و افراد با سطوح مختلف تحصیلی و عقاید گوناگون اجتماعی به تلویزیون و رادیو انتقادهایی دارند و اگر از زاویه دید هر کدام به ماجرا بنگریم، می‌توانیم به آنان حق بدهیم. اما یادداشت امروز نه درباره کلیات اتفاقات صداوسیما از منظر مشکلات اداری این سازمان عریض‌وطویل یا بحث‌ها و انتظارهای سیاسی و شکل فرهنگ‌سازی و الگوهای برنامه‌سازی است، بلکه درباره مسئله سانسور رقابت‌های ورزشی یا مسائل مربوط به ورزش در صداوسیمای ایران است. یاداشتی که شاید اگر گل عیسی آل‌کثیر به السدقطر و شادی پرشورش پس از این گل نبود، در زمانی دیگر نوشته می‌شد!

تن عیسی!

بازی یک هشتم لیگ قهرمانان آسیا و تنها نماینده باقی‌مانده ایران و یک بازی پرشوروحرارت که یک گل دقیقه آخری در آن می‌توانست آتشی در جان هواداران بیندازد. سناریو دقیق همین‌طور پیش رفت و گل دقیقه ۸۸ می‌توانست همان آتش معهود باشد، اما این آتش ناقص سوخت! اوضاع طوری پیش رفت که بینندگان تلویزیون حتی تا چند ثانیه اول از گل‌شدن توپ مطمئن نبودند! هیجانی که باید با فریادهای پس از گل خالی می‌شد، با شک به اینکه آیا داور خطا گرفت و سؤال‌های مثل چی شد یهو؟ برای مدتی خاموش شد تا اینکه پس از بازی و در های‌لایت‌هایی که مستقیم از شبکه‌های تلویزیونی دیگر گرفته شد، فهمیدیم عیسی آل‌کثیر پس از به ثمر رساندن گل برتری و صعود پرسپولیس در آن دقیقه و در آن بازی حساس لباسش را از تن بیرون آورده و به شادی پرداخته است. البته برای این کاره‌هایی که سال‌هاست رقابت‌های ورزشی را از صداوسیما دنبال می‌کنند، دیدن این نوع سانسورها طبیعی و اتفاق بعد از گل در همان ثانیه‌های اول قابل حدس بود. قطعا پیراهنی از تن به در شده که باتوجه به تأخیر چندثانیه‌ای پخش زنده، ناظر هم‌زمان پخش ترجیح داده است با پخش تکرار صحنه، تماشاچیان در منزل این صحنه را نبینند! اما چرا تماشاچیان چندین‌وچندساله تلویزیون این‌قدر راحت می‌توانند چنین اتفاقی را حدس بزنند و راحت هم با آن کنار بیایند؟ دلیلش تجربه است! تجربه‌ای که نمونه‌های مشابه و البته تاحدی غیرمشابهش را در ادامه مطلب خواهید خواند.

گرگ‌رمی و مرد پرتغالی!

تأخیر چندثانیه‌ای در پخش زنده مسابقات ورزشی چیز تازه‌ای نیست، اما گاهی این تأخیرها به قطع‌ووصل مدام و روی اعصاب بیننده رفتن تبدیل می‌شود، چون در مسابقاتی مثل والیبال که جریان بازی هر چند ثانیه یک بار قطع می‌شود و بازیکنان برای سرویس‌زدن پشت توپ می‌روند، زمان بیشتری برای پرداختن کارگردان تلویزیونی به هواداران پیش می‌آید و سانسورها هم دقیقا از همان جاست که آغاز می‌شود. چون این نشان دادن تماشاچیان مثل فوتبال هر چند دقیقه یک‌بار نیست و دفعات پخش تصاویر آهسته و تکراری بالا می‌رود. این موضوع به شدت روی اعصاب تماشاچیان می‌رود. نمونه‌اش دوره اوج پخش بازی‌های والیبال تیم‌ملی بود که تقریبا بین تصویرهای آهسته والیبال هم می‌دیدیم. برای همین هم تصویر هم‌وطنی که در یکی از این مسابقات به اشتباه! چند ثانیه‌ای روی آنتن رفت، صاحب حساب فیس‌بوکی با همان عکس شد و کلی توئیت و استاتوس فیس‌بوکی درباره‌اش زده شد و در دوره‌ای یکی از اسطوره‌های مجازی بود! البته شهرت آن هم وطن احتمالا از گرگ‌روی نشان باشگاه رم بیشتر نیست، چون اگر یادتان باشد، همین یک سال پیش بود که در شبکه ۳ سیما لوگو باشگاه رم را که در آن گرگی به فرزندش شیر می‌دهد، کلا به شکلی دیگر نشان داده بودند که علاوه بر مضحک بودن و واکنش‌های طنز مردم، باعث شد حساب رسمی رم به زبان فارسی در توئیتر راه‌اندازی شود! البته شاید شانس آوردیم که سانسور کریستیانو رونالدو پس از به ثمر رساندن آخرین پنالتی در فینال لیگ قهرمانان اروپا به گوش خود او نرسید و شاید الان صفحه رونالدو به فارسی هم داشتیم!

به هرحال چه به این موضوعات بخندیم، چه در شبکه‌های مجازی درباره آن جوک بسازیم و چه نه، این اتفاقی تکراری و حالا دیگر عادی در صداوسیمای ماست که معلوم نیست دقیقا بر اساس کدام قانون یا نظرهای چه کسانی اتفاق می‌افتد. شاید آن‌طور که عزت‌ا... ضرغامی، رئیس اسبق صداوسیما، در یک سخنرانی گفت: «هر چیزی نشان دهند یا ندهند، منتقدی پیدا می‌شود و تلفن روی میز رئیس سازمان یک‌بار به‌صدا درمی‌آید!» شاید این اتفاق‌ها هم پیشگیری از زنگ‌خوردن تلفن‌هاست!



گزارش دانا

تعیین تکلیف صداوسیما به مجلس افتاد

مانند طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس، طرح اداره و نظارت بر صداوسیما هم نزدیک به ۲۰سال است درگیر دست‌انداز شده است، طرحی که از مجلس ششم مطرح بود و با پیگیری‌های علی‌مطهری در مجلس هشتم و نهم دوباره آغاز شد و حتی یک‌فوریتش هم به تصویب رسید، اما باز ماند تا مجلس دهم. در مجلس گذشته، کمیسیون فرهنگی طرحش را از نو نوشت و تصویب کرد، اما مجلس با طرح اولویت‌دار آن در صحن مخالفت کرد و در نهایت عمر پارلمان دهم هم به آن قد نداد. حالا گویا دیروز در مجلس یازدهم اعلام وصول شده است، طرح اداره و نظارت بر صداوسیما. یک نماینده مجلس دهم پیش‌بینی کرده بود چه این طرح در دستور قرار بگیرد یا نگیرد، بررسی بشود یا نشود، به‌دلیل ایرادهایی که ممکن است شورای نگهبان به آن بگیرد، در این دوره شدنی نیست. اینکه آیا این همان طرح مجلس دهم است یا نه و در آن دخل‌وتصرفاتی شده است، مشخص نیست. بعید است که مجلس اصول‌گرای یازدهم درست همان طرحی را که مجلس نیمه‌اصلاح‌طلب دهم با آن‌همه همت علی مطهری درباره صداوسیما تهیه کرده باشد، در دستور کار قرار دهد و تصویب کند! نگاه اصول‌گرایان به صداوسیما کاملا برعکس نگاه اصلاح‌طلبان و منتقدان رسانه ملی است. هرچه دیگران به‌دنبال ایجاد تنوع و تکثر در سلیقه حاکم بر صداوسیما و نظارت‌پذیر و پاسخ‌گوکردن آن هستند، اصول‌گرایان همین رویه را نه‌تنها می‌پسندند، بلکه به‌دنبال دادن اختیارات و تمرکز بیشتر بر فعالیت‌های حوزه صدا و تصویر به صداوسیما هستند و چندان دغدغه نظارت و پاسخ‌گویی رسانه ملی را هم ندارند. طراحان طرح نظارت و اداره صداوسیما معتقد بودند که این رسانه بدون قانون اداره می‌شود. برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه شرق، کد را اسکن کنید.

۲۸۸روز اسارت در قاره سیاه

۱۲مرد ماهیگیر بیست‌وچهارم آذر ۱۳۹۸ جفت هیچ آوردند، لنجشان خاکستر شد و خودشان هم اسیر. برای تور ماهی پا به آب‌های آزاد گذاشته بودند، قماری که پایانش اسارت بود و اسارت. در نزدیکی ساحل جمهوری موزامبیک لنج این ۱۲صیاد آتش می‌گیرد و می‌سوزد. تنها راه نجاتشان رسیدن به خشکی بود. با قایق نجات به ساحل رفتند، اما در تور گارد ساحلی موزامبیک گرفتار شدند. از آن روز سیاه ۲۸۸روز می‌گذرد. حالا خانواده این صیادان نامه‌ای خطاب به آقای ظریف منتشر کرده‌اند و خواستار آزادی مردان دریا هستند. در این نامه به شرایط نامناسب نگهداری این صیادان و قطع ارتباط با آن‌ها اشاره شده است. تاکنون تلاش‌هایی برای رهایی اسیران ماهیگیر در موزامبیک انجام شده، اما این رایزنی‌ها نتیجه مشخصی در بر نداشته است. به همین دلیل خانواده‌های این صیادان بلوچ با نگارش رنج‌هایشان در نامه خواسته‌اند که با دیپلماسی مقامات وزارت خارجه هرچه سریع‌تر شرایط را برای آزادی سرپرستان خانواده‌هایشان که در شرایط بهداشتی وحشتناکی اسیر هستند، فراهم کنند. خانواده این صیادان فیلم‌ها و تصاویری از اسارتگاه ناخدا و ۱۱صیاد لنج برای «شهروند آنلاین» فرستاده‌اند که بیانگر شرایط وخیم حبس این صیادان در زندان شهر پمبای موزامبیک است. خانواده‌های روستای محروم رمضان کلگ شهرستان نیکشهر که با یکدیگر قوم‌وخویش هم هستند، دل‌نگران‌اند. دل‌نگران نان‌آورانشان که به‌علت نبود کسب‌وکار مناسب راهی جز صیادی نداشتند. شهرام و محراب ۲برادر از یک خانواده هستند که مادرشان از آذرماه سال گذشته انتظارشان را می‌کشد. مادری که حالا از غم دوری پسرانش مریض‌ای شده است. مریضی که هیچ دکتری علت آن را تشخیص نمی‌دهد. پزشکان زیادی در نیکشهر او را ویزیت کرده‌اند، اما فایده‌ای نداشته است و درد این مادر را تشخیص ندادند. او حالا به مشهد رفته است تا پزشکان مشهدی علاج بیماری‌اش را پیدا کنند. با دلی رنجور و غمی نهفته در گلو حرف می‌زند. به‌سختی جمله‌هایش را ادا می‌کند. از روزها و شب‌هایی می‌گوید که چشم به در دوخته تا صورت ۲پسرش را یک‌بار دیگر ببیند. ۴۰سال دارد، ولی پیر شده است، پیر انتظار دیدن محراب و شهرام. از امید سخن می‌گوید، امید دیداری که در دلش رخنه کرده است و هر لحظه انتظارش را می‌کشد. برای خواندن ادامه گزارش از روزنامه شهروند، کد را اسکن کنید.

Tweets



مهسا قربانی | فعال توئیتری

نشستن به تماشای برنامه مورد علاقه‌شون. :)

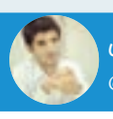




دریا مبلغی | فعال توئیتری

در اولین شیفتم در بیمارستان رسول شاهد مرگ یک جوان بیست‌ویک‌ساله بر اثر کرونا بودم. به ظاهر بیماری زمینه‌ای نداشت، ولی با درگیری وسیع ریه مراجعه کرده بود.





نوید برهانزهی | فعال اجتماعی
@navid_bhz

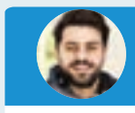
بنای تاریخی گمرک قدیمی چابهار رو برای ساخت یک فیلم سینمایی به این شکل درآوردن!





ابراهیم علیزاده | روزنامه‌نگار
@ebializadeh

باتوجه به افزایش قیمت #دلار، ارزش دلاری #بازار_سهام به کمتر از سال۹۰ رسید!
سال۹۰: ارزش دلاری بازار ۳۰۰میلیارد دلار (با کمتر از ۵۰۰شرکت)
مهرماه۹۹: ارزش دلاری بازار ۲۰۰میلیارد دلار (با بیش از ۷۵۰شرکت)
منبع آمارها: کارگزاری بانک صنعت‌ومعدن



علی ضیا | مجری
@aliziyak

آدمای عادی با اومدن پاییز یه برگ زرد می‌ذارن جلو صورتشون عکس می‌گیرن، ماهایی که دچار حساسیت فصلی می‌شیم باید یه آنتی‌هیستامین بگیریم جلو صورتمون.

حاشیه‌نگاری

من اشتباهی‌ام

وزیر بهداشت و درمان در آخرین اظهاراتش گفته که برای کسوت وزارت اشتباهی انتخاب شده است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

جدا از چالش‌هایی که ممکن است برای هر مقام و هر مسئولی در جایگاهی که دارد اتفاق بیفتد، شاید خیلی بخت بلندی هم نداشته که در دوران وزارتش ویروس عجیب‌وغریبی به جان جهانیان و مردم کشورش افتاده است و حالا او در مقام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در رأس ستاد مقابله با این بیماری، باید برای تمام عواقب این مسئله پاسخ‌گو باشد، آن هم در شرایط نابسامان اقتصادی و معیشتی مردم که خیلی اجازه خانه‌نشینی و در قرنطینه‌بودن را به آن‌ها نمی‌دهد و با وجود عواملی مثل تحریم‌ها که وضعیت را سخت‌تر می‌کند. سعید نمکی هم حالا یکی از همان چهره‌هایی است که به واسطه کرونا نامش بیش‌ازپیش بر سر زبان‌ها افتاد و در سیری متوالی حرف‌هایش در رسانه‌ها و فضای‌مجازی می‌چرخید و دست‌به‌دست می‌شد. نمونه آخرش نقل دهان شدن پسرش بود که می‌گفتند از موقعیت آقازادگی‌اش سوء استفاده کرده و پول به جیب زده، اما کاری تحویل نداده است که البته بعد از ردوبدل‌شدن نامه‌هایی به‌انضمام یک عذرخواهی و یک بخشش، ماجرا ختم‌به‌خیر شد. برگزارشدن یا نشدن آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها در روزهای کرونایی یکی دیگر از مسیرهای سختی بود که نمکی به‌شدت با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرد، اتفاقی که باعث شد فشار زیادی روی او باشد تا به‌عنوان وزیر بهداشت کشور اقدامی درخور انجام دهد که البته با وجود تمام بالاوپایین‌ها و حاشیه‌هایی که ایجاد شد، نتوانست برای برگزارنشدن کنکور اقدامی انجام دهد و تمام آزمون‌ها فقط با تغییر زمان برگزاری، برگزار شد. ماجرای اشتباه‌گرفتن یک پرستار برزیلی با پرستار ایرانی هم یکی دیگر از مسائلی بود که برای آن حسابی از سوی مردم با واکنش روبه‌رو شد و همین قضیه موج متلک‌هایی را در فضای‌مجازی علیه او به راه انداخت. حالا به‌نظر تمام این اتفاقات و حاشیه‌های ریزودرشتی که در مدت وزارت او برایش پیش آمده، بیش از حد او را زیر فشار قرار داده است. پیش از این هم گفته بود اگر فشارها از حدی بیشتر شود، ناگفته‌هایی را خواهم گفت و حالا به‌ظاهر سر درددلش باز شده و در صحبت‌های تازه‌اش گفته است: «من اشتباهی وزیر شدم. وزیرشدن چیزهایی می‌خواست که من ندارم. این کسوت داشته‌های دیگری می‌خواست که من نداشتم.» دلش البته پرتر از این حرف‌هاست. خودش می‌گوید: «چند حمله به من شد که هیچ‌کس از من دفاع نکرد و در هیچ رسانه‌ای از من دفاع نشد.» حتی گریزی هم به گذشته و روزهای آغاز شکل‌گیری کرونا از چین زده و گفته است: «وقتی از بستن پروازهای چین صحبت کردم، برخی خیلی ساده‌لوحانه به ما نگاه می‌کردند.» در حرف‌های او گله‌هایی هم وجود داشت، گله از تحریم‌ها و شرایط سختی که باید در کشور با آن دست‌وپنجه نرم کرد و اینکه: «در بهترین شرایط ۱/۶ تخت به‌ازای هر نفر داریم، درحالی‌که کشورهای اروپایی دست‌کم سه‌برابر تخت و پزشک و پرستار دارند.» صحبت‌های او در فضای‌مجازی هم تا حدودی بازخوردهایی داشت، بازخوردهایی از ۲ جنس مثبت و منفی. عده‌ای از در همراهی با او وارد شده بودند و معتقد بودند که او در شرایط سخت کنونی چندان هم بد عمل نکرده است و حتی از کارکنان درمان هم تشکر کردند. عده دیگری هم انگشت خود را به‌سوی دولت گرفتند و گفتند دولت در زمینه کنترل کرونا ناکارآمد بوده است. همان صحبتی که خود نمکی هم در ۲ماه گذشته به آن اشاره کرد و گفت: «نه اینکه نفهمیم این بازگشایی آمار را بالا خواهد برد، نه اینکه نفهمیم قطار شهری و اتوبوس وقتی یک‌سوم توان نقل‌وانتقال این جمعیت را دارد، با چنین پدیده‌ای روبه‌رو خواهیم شد، این ضعف و زانوزدن ما در مقابل اقتصادی بود که بیش از این ظرفیت و کشش نداشت.»



دیالوگ ماندگار

ماتیلدا: زندگی همیشه این‌قدر سخته یا فقط زمانی که بچه‌ای؟
لئون: همیشه همین‌طوره!

لئون، ۱۹۹۴

بریده کتاب



چه خوب است که انسان بعضی وقت‌ها به تماشای سحر برود تا با همه وجود باور کند که آفتاب بی‌گمان خواهد دمید.

چهار اثر از فلورانس اسکاول شین، نویسنده: فلورانس اسکاول شین